



علی محمدی / ایران

همان اتفاقات بود. برخلاف طیف تندرو اصولگرا، مدیران میانی دولت احمدی نژاد و اصولگرایانی که در مجالس هفتم، هشتم و نهم که از همان ابتدا حضور پررنگ تری در مرحله ثبت نام داشتند. اصولگرایان میانه رو و اصلاح طلب ها با تأانی زیادی پا در راه ستادهای انتخاباتی گذاشتند. آنقدر که احزاب اصلاح طلب و بزرگان این جریان سیاسی در سومین روز از فرصت شش روزه ثبت نام صدور بیانیه و فراخوان برای تشویق نیروهای خود به داوطلبی در انتخابات را ضروری دیدند و البته نسبتاً هم پاسخ گرفتند. با این حال طیف میانه و اصولگرا در فقدان چنین سازوکار بسیج کننده ای همچنان حضور کم رنگ تری در مرحله ثبت نام داشت.

هر دو گروه در نهایت با معرفی دو غایب بزرگ این مرحله را پشت سر گذاشتند؛ علی لاریجانی میانه رو که سه دوره پیاپی با رأی مردم قم به مجلس آمده و ریاست اش را بر عهده گرفت و محمد رضا عارف رئیس فراکسیون امید.

با وجود همه این مسائل و حضور مردد داوطلبان منصوب و طیف سیاسی در انتخابات آمار ثبت نام داوطلبان نه فقط کاهش نداشت که افزایش یافت. حدود ۱۴ هزار نفر در سراسر ایران برای شرکت در رقابت های انتخاباتی مجلس ثبت نام کردند و حالا باید منتظر رأی شورای نگهبان درباره صلاحیت خود باشند.

انتخابات اما سویی دیگری هم دارد؛ رأی دهندگان. مردمی که حضور یا غیبت شان دوم اسفند مشخص می شود و در رویکردی متفاوت نسبت به ادوار گذشته هنوز در رسانه فراگیر ملی چندان خبری از دعوت شان به حضور پررنگ در انتخابات نیست. برعکس انفعال و تحریم که نه فقط حاصل وضع موجود است، مبلغان فراوانی هم دارد.

با این حال بسیاری همچنان معتقدند که بهبود شرایط ایران به تقویت نهادهای انتخابی از طریق رأی مردم به نخبگان کار آمد، شجاع و پیشرو نیازمند است و غیبت مردم پاشنه آشیل روند اصلاح تدریجی است که نخبگان دلسوز از هر طیف سیاسی دنبال می کنند. کما اینکه تأثیر انتخابات پیش رو بر آینده شرایط امنیت و سیاست داخلی و خارجی قابل انکار نیست. حال باید دید نهادهای مرتبط با انتخابات بویژه نهاد ناظر که می تواند با تأیید صلاحیت طیف متنوعی از نامزدها یکی از زمینه های ترغیب مردم به مشارکت سیاسی بیشتر را فراهم کند چگونه در همکاری با یکدیگر این بار بلور را به مقصد می رسانند؛ شفاف، سالم و لبریز با...

در این دوره از انتخابات نیز نتوانستند پیوندی میان خود با دیگر اصولگرایان برقرار کنند. دعوت نشدن لاریجانی به شورای ائتلاف و بعد تکرار ماجرای عدم حضور او در فهرست اصولگرایان شهری که سه دوره نمایندگی اش در مجلس را بر عهده داشته از جمله تبعات ناگزیر این پیوند نیافتن بود.

اصولگرایان جز مسأله وحدت همچون اردوگاه رقیب با مسأله احیای سرمایه اجتماعی نیز مواجه اند. اما درک و نگاه آنها نسبت به این موضوع دست کم در عیان متفاوت از اصلاح طلبان است. پیش بینی اصولگرایان از تأثیر تبعات شرایط اقتصادی تحمیل شده بر ایران در رویکرد سیاسی جامعه و یقین شان به روگردانی مردم از جریان های رقیب که حامیان دولت و امیدهای مجلس به شمار می رفتند و به القای منتقدان مسبب وضعیت موجود؛ نقطه اتکایی است که سبب شده آنها به جلب آرا و پیروزی خود بیش از هر زمان امیدوار باشند. حسی که بیش از آنکه آنها را متحد کند به نظر می رسد زمینه ساز افتراق شان باشد و با این حال تا این لحظه نه کنایه های عقلا که می گویند آرای بدنه ناراضی اصلاح طلب به سید اصولگرایان نخواهد ریخت و نه رجز خوانی

هشدار آملی امثال محمدرضا باهنر که معتقدند اصولگرایان در این دوره رقیب قدری ندارند و اگر ببازند به خودشان باخته اند؛ کارگر نیفتاده است.

■ غایبان و حاضران انتخابات دوم اسفند

طیف های مختلف سیاسی با چنین پیشینه ای ماه های پیش از آغاز فرآیند رسمی انتخابات را گذرانده اند. با این حال گویا اعتراضات گسترده آبان ماه یکی از عواملی بود که بسیاری از معادلات حل شده و حل نشده را برهم زد. فضای حاکم بر ستادهای انتخابات در روزهای نخست ثبت نام داوطلبان یازدهمین دوره مجلس که از ۱۰ آذر آغاز شد شاید یکی اثرات

اصلاح طلبان می دانند که در این دوره نظر شورای نگهبان درباره صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب تنها مانع انتخاباتی شان نیست. سرمایه اجتماعی، میزان تمایل مردم به مشارکت سیاسی و حضور در صف رأی دهندگان و ارائه فهرست قابل دفاع هم مسائلی هستند که نیاز به چاره جویی دارند